

پرسشهای قرآنی

تدوین و گردآوری:

دکتر علی مشکینی

عنوان قراردادی	: قرآن. فارسی - عربی. برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	: پرسشهای قرآنی / تدوین و گردآوری: علی مشکینی.
مشخصات نشر	: تبریز: الوین، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۴ ص؛ ۵۱۲ × ۱۷ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۷۷-۸۵-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: قرآن -- بررسی و شناخت -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها
موضوع	: Qur'an -- Surveys -- Questions and answers
موضوع	: قرآن. برگزیده‌ها -- ترجمه‌ها
موضوع	: Qur'an. Selections -- Translations
موضوع	: قرآن -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها
موضوع	: Qur'an -- Questions and answers
شناسه داده	: مشکینی، علی، ۱۳۴۵ - گردآورنده
رده بندی کسره	: ۱۳۹۸ پ/۳/ BP۶۵
رده بندی دیویی	: ۲۱ / ۱۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۳۷

این کتاب را می‌توانید با تخفیف از سایت انتشارات الوین به آدرس www.ElvinPub.com خرید نمایید.

نام کتاب: پرسش‌های قرآنی

تدوین و گردآوری: علی مشکینی

ناشر: انتشارات الوین

چاپ: سبز صحافی: امین

شمارگان: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۷۷-۸۵-۱

مراکز پخش: تبریز - انتشارات پزشکی شروین - تلفن ۸۴ ۴۴ ۵۵۶ ۰۴۱۳ - فروش: ۰۹۳۰ ۳۱۰ ۰۴۱۳
تبریز - خ گلگشت - روبروی دانشکده تغذیه - خیابان ایرانشل - موسسه پارس کیبی - ۰۴۱۳۳۲۵۰۱۶۰



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۷	معنای ادوی استفهام
۱۷	ادوات استفهام
۱۹	جایگاه ادوات استفهام
۲۰	اقسام استفهام
۲۱	اقسام ادوات استفهام
۲۲	اعراب اسم استفهام
۲۵	ادوات استفهام در قرآن
۲۸	آیات قرآنی
۴۱	منابع

مقدمه

عوامل موثر در معانی بلاغی استفهام و بلاغت اسالیب استفهام در آیات قرآن کریم

قرآن کتاب الهی، معجزه جاودانه آخرین پیام‌آور الهی و عصاره همه کتب سماوی است؛ یگانه کتابی که می‌تواند همه خواسته‌های جوامع بشری را در بر گیرد. با وجودی که بهترین شکل برآورده سازد و انسان را به سوی عالی‌ترین مراتب رشد و کمال رهنمون شود و برای نیل به این امور مهم برترین و زیباترین روش‌های حکیمانه را به کار برده است. از جمله این روش، استفهام است. کلام با پرسش‌ها و پاسخ‌هایی است که آدمی را بطور غیر مستقیم در جهت برنامه‌های انسان‌ساز سوق می‌دهد. بیش از هزار آیه از آیات قرآنی دارای استفهام است، با توجه به اینکه سؤال کننده، پروردگار حکیم است، عرض او از استفهام آگاهی یافتن نسبت به مجهول نیست؛ بلکه در این استفهامات، از رمز و حکمتی نهفته است که برای فهم آن باید به توبین، مخاطب، قرینه‌های لفظی و معنوی، سیاق کلام، کیفیت و شان نزول آیه و کیفیت قرائت و وقف توجه کرد؛ در غیر این صورت نمی‌توان به دقت و دقتی از آیات بدست آورد.

روش پرسش از مخاطب و پاسخ درونی و وجدان او در تعلیم و تربیت، بسیار مؤثر و خصوصا در مورد افراد جاهل و لجوج بسیار راه‌گشاست. استفهام در آیات قرآن کریم - در بیش از هزار آیه - به دو صورت حقیقی و غیر حقیقی بکار رفته است؛ همانطور که توجه دارید معنای حقیقی استفهام، طلب علم نسبت به مجهول است و استفهام در صریحی معنی است که سؤال کننده نسبت به مورد سؤال هیچ گونه آگاهی نداشته باشد. با توجه به اینکه سؤال کننده، پروردگار حکیم علی‌الشیق است، غرض او از استفهام، آگاهی یافتن نسبت به مجهول نیست؛ بلکه به دلیل و اغراض بلاغی خاصی، کلام خویش را به استفهام آراسته است که در هر یک از این استفهامات راز و رمز و حکمتی نهفته است، چنانکه مفسران و دانشمندان علوم بلاغت درباره استفهامات قرآنی نظرات مختلفی داده‌اند. عده‌ای قائلند که استفهام حقیقی در قرآن وجود ندارد و همه استفهامات قرآن دارای معنی مجازی‌اند.^۱

سبکی^۲ معتقد است که گاهی اوقات سؤال کننده، عالم است و هدف او از سؤال، فهماندن مطلب به دیگر افرادی است که نسبت به آن، علم ندارند.

^۱ الدمامینی، بدرالدین، تحفه الغریب علی مغنی اللیب، ج ۱، ص ۲۱

^۲ عروس الافراح من شروح التلخیص، بهاء‌الدین السبکی، ص ۳۰۷

ثمانینی^۳ ذکر کرده است که استفهام حقیقی از جانب حق تعالی صورت نمی‌گیرد ولی جایز است که تقریر، توییح و سرزنش کند. عبدالعلیم فوده^۴ می‌گوید از مجموع استفهامات قرآنی (۱۲۶۰ مورد) فقط نوزده مورد استفهام حقیقی دیده می‌شود و در بقیه موارد، استفهام بصورت حقیقی نیست.

برای فهم معنای بلاغی استفهام در آیات قرآنی، عوامل مختلفی را باید در نظر گرفت که بدون توجه به آنها معنای دقیقی از آیات بدست نمی‌آید. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

الف) اختلاف در سریده

«أَفَمَا نَحْنُ بِمُتِّينِينَ إِلَّا مَوْتَتُنَا أُوْلَىٰ وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ»^۵

ابوحیان^۶ معتقد است که اگر آیه از ذیل قرآنی به قرینش باشد با در نظر گرفتن آیه قبل، معنای استفهام «توییح» است و اگر آیه از قول مؤمنان در بهشت باشد، به معنی تقریر تحقق است.

ب) اختلاف در مخاطبان

چنانکه در آیه: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ»^۷ و در آیه: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ»^۸

^۳ اسالیب الاستفهام فی القرآن، فوده السید عبدالعظیم، ص ۱۹۲

^۴ همان منبع

^۵ صافات، ۵۸ و ۵۹

^۶ البحر المحیط، اثیر الدین محمد بن یوسف ابوحیان، ج ۷، ص ۳۶۲

زمخشری و سبکی استفهام را به معنی تقریر می‌دانند. این در صورتی است که مخاطب ما پیامبر یا یکی از مؤمنان باشد؛ اگر مخاطب، کافر انکار کننده باشد، استفهام به معنی توبیخ است.

با در آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»^۹ اگر مقصود آیه، اهل ایمان باشد، عتابی همراه با نرمش است؛ و اگر مقصود منافقان باشد، که با زبان، ایمان را پذیرا شده‌اند، با تهکم و استهزاء، آنان را به سب و توبیخ کرده است، معنای استفهام را می‌توان توبیخ و انکار و تهکم دانست.^{۱۰}

(ج) اختلاف حالت مخاطب
ابوحنیفه^{۱۱} در آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذِرَ الْمَوْتِ»^{۱۲} استفهام را به معنی تقریر می‌داند، این در حالتی است که مخاطب قبل از نزول آیه این داستان را می‌دانسته و اگر این داستان را نمی‌دانسته است، معنی تنبیه معتبر دارد.

(د) اختلاف در مقدر

^۷ توبه، ۶۳

^۸ علق، ۱۴

^۹ صف، ۲

^{۱۰} البحر المحيط، ج ۱۰، ص ۲۶۱

^{۱۱} همان منبع، ج ۱۱، ص ۲۷۱

^{۱۲} بقره، ۲۴۳

این در صورتی است که در عبارت استفهام، حذفی صورت گرفته باشد، مانند: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ»^{۱۲} نظر ابو حیان^{۱۴} این است که اگر قبل از «ها» فعل «يقولون» را در تقدیر بگیریم، استفهام معنی تمنی دارد، و اگر فعل «يقولون» را در تقدیر نگیریم، استفهام به معنی نفی و تقریر است.

ه) اخلاف و قرائت.

به عنوان مثال در آیه: «اذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ»^{۱۵} در صورتی که آیه به صورت فوق قرائت شود اسنخها به معنی تمنی یا مبالغه در تقاضا است.^{۱۶} کسانی آیه را به صورت «هَلْ تَسْتَطِيعُ رَبُّكَ» خوانده است.^{۱۷} که معنی آن می‌شود: «آیا می‌توانی پروردگارت سؤال کنی؟» که در این صورت، استفهام حقیقی است.

^{۱۳} قی، ۳۶

^{۱۴} البحر المحيط، پیشین، ج ۸، ص ۱۲۹

^{۱۵} مائده، ۱۱۲

^{۱۶} الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، البنا، دار الکتاب

العلمیة، ۱۴۱۵ هـ، الطبعة الأولى، ج ۱،

ص ۶۹۱

^{۱۷} اتحاف فضاء البشر بالقراءات الاربع العشر، احمد الدمیاطی، القاهرة، عبد الحمید،

۱۳۵۹ هـ، ص ۲۰۴

و) تغییر در مکان وقف

در آیه: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا»^{۱۸} اگر وقف به هر حال اسلوب استفهام در بیان عواطف و حالات و انفعالات درونی انسان، و رساندن معنای بسیار با لفظی اندک و دعوت مخاطب به راه صحیح با لطیف‌ترین حالت، از سایر اسالیب انشا قویتر می‌باشد.

بر روی کلمه «مُرْسَاهَا» باشد یعنی «فیم»

به حمل بعدش وصل شود، استفهام به معنی نفی است؛ یعنی «لست من ذکرت فی لی» و اگر روی کلمه «فیم» وقف شود به معنی «فیم سؤالهم» است که در این صورت استفهام به معنی انکار و توبیخ است؛ و جمله «أنت من ذکرام» جمله مستأنفه می‌باشد که معنی خبری می‌دهد.^{۱۹}

خلاصه کلام این است که مهم‌ترین عامل در اغراض بلاغی استفهام، همان وجود قرینه‌های مختلف و سبب کلام است؛ لذا ما اغراض استفهام را بخوبی نمی‌توانیم روشن کنیم و در این «فائل» و «مقول له» و حالات حاکم بر آنها را بدقت بررسی و قرینه‌های ظنی و معنوی موجود که در کلام را شناسایی کنیم. نقش این قرینه‌ها در رساندن و فهم معانی استفهام گاهی پیشتر از خود ادوات استفهام است؛ به مواردی چند از این قرینه‌ها اشاره می‌کنیم:

^{۱۸} نازعات، ۴۲ و ۴۳

^{۱۹} اسالیب الاستفهام فی القرآن، ص ۲۵۱

۱- گاهی در جمله استفهامی کلمه‌ای وجود دارد، که راهنمای ما به سوی معنی استفهام می‌شود. در آیه: «أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ»^{۲۰} معنای «تحقیری» که از اسم اشاره به دست می‌آید، بیشتر از دلالت همزه بر آن است و در آیه: «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ»^{۲۱} معنای انکار و تعجب و توبیخ از جمله حالیه «وكنتم امواتا» است که به دست می‌آید.

۲- گاهی ذکر جمله و یا عبارتی بعد از جمله استفهام، معنی جمله استفهامی را بر سر می‌سازد؛ چنانکه در آیه «قَالَتْ يَا وَيْلَتَا أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَ هَذَا بَعْلِي شَيْخًا؟ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ»^{۲۲} جمله «إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ» معنای تعجب را به وسیله استفهام در جمله قبل آمده است، واضح می‌سازد؛ همیسا در آیه «أَحْسِنِ إِلَى الْإِلَهِةِ وَاحِدًا؟ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ»^{۲۳} و در آیه «أَفَمِنْ أَيْنَ مَوْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا؟ لَا يَسْتَوُونَ»^{۲۴}

جمله «لَا يَسْتَوُونَ» نفی مشابهتی را که از جهات به واسطه همزه در بردارد، بیشتر مشخص می‌کند. و در آیه «أَيَعِدُّكُمْ أَنْتُمْ إِذَا مِتُّمْ وَ كُنْتُمْ

^{۲۰} انبیاء، ۳۶

^{۲۱} بقره، ۲۸

^{۲۲} هود، ۷۲

^{۲۳} ص، ۵

^{۲۴} بجهده، ۱۸

ترا با و عظاما آنکم مخرجون؟ هیهات هیهات لما توعدون»^{۲۵} عبارت «هیهات» معنی استبعادی را که به واسطه استفهام در جمله قبل وجود دارد، روشن می‌سازد.

۳- گاهی عبارت یا جمله‌ای قبل از استفهام و بعد از آن واقع شده است، که روشن کننده معنی استفهام می‌باشد، چنانکه در آیه «بَلْ عَجَبْتَ أَنْ جَاءَ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ. إِذَا مَتَّأ وَكَرَّ رَجَعٌ بَعِيدٌ»^{۲۶} عبارت «هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ» روشن کننده معنی «بَلْ عَجَبْتَ» است که استفهام بعدش دلالت بر آن دارد. و همچنین عبارت «ذَلْكَ رَجَعٌ بَعِيدٌ» معنای استبعادی را که استفهام قبل از آن در بردارد، واضح می‌کند.

به هر حال اسلوب استفهام در بین عطف و حالات و انفعالات درونی انسان، و رساندن معنای بسیار باطنی اندک و دعوت مخاطب به راه صحیح با لطیف‌ترین حالت، از سایر اسالیب انشا قویتر می‌باشد؛ چنانکه گفته شده: «إِنَّ لِلْكَلامِ قَمَّةً عَلِيًّا فِي الْبَرَعَةِ وَ تَكُنْ اسْلُوبُ الاسْتِفْهَامِ مُحْتَلاً أَعْلَى مَكَانٍ فِي تِلْكَ الْقَمَّةِ.»^{۲۷}

در اسلوب استفهام متکلم ارتباطش را با مخاطب حفظ می‌کند و هر دو در مقابل این استفهام دارای نقش و مسؤولیتی می‌باشند و با تریب به

^{۲۵} مؤمنون، ۳۴ و ۵

^{۲۶} ق، ۳ و ۲

^{۲۷} اسالیب الاستفهام فی القرآن، ص ۲۹۳

اینکه حالات نفسانی و غرایز و انگیزه‌های انسانی بسیار زیاد است، اسلوبی که بتواند بیانگر این غرایز و حالات درونی باشد و مجال بر آن تنگ نیاید، اسلوب استفهام است. به هر حال جملات استفهامی زیبایی خاص در دلالت بر معانی بلاغی دارند که به مواردی از آن اشاره می‌شود؛ به عنوان مثال:

جملاتی که استفهام در آن معنی «تقریر» می‌دهد از جملات مثبت، بلیغ‌تر در رساندن مقصود، گویاتر است؛ چنانکه در مورد آیه «أليس الله بكاف عبده» ذکر شده که حد کفایت به میزانی از ظهور و تحقق رسیده است که احسن را یارای رد این مطلب نیست. یا در ارتباط با آیه «فهل أنتم ممنهون»^{۲۸}

معنای امر توسط «هل» و جملات استفهامی بعد از آن، از امر صریح، بلیغ‌تر است. ابوالبقاء در ارتباط با این آیه می‌گوید که ذکر استفهام به دنبال معایب، در رساندن مقصود، از امر صریح گویاتر است. در این آیه بعد از ذکر معایب شراب و قمار این جملات استفهامی می‌آید. آمدن «هل» بر سر جمله اسمیه‌ای که خبر مفرد در آن، دلالت بیشتری بر طلب می‌کند؛ چنانکه ذکر شده است عبارت «فهل أنتم تشكرون» در رساندن طلب شکر، گویاتر از دو عبارت «فهل أنتم تشكرون؟» یا «فهل تشكرون» می‌باشد؛ زیرا «همزه» جایز است بر سر جمله اسمیه و فعليه

بیاید؛ درحالیکه «هل» اختصاص به «فعل» دارد و آمدنش بر سر جمله اسمیه، طلب را تقویت کرده است. دلالت اسالیب استفهام بر نفی، نسبت به نفی صریح مزیت بیشتری دارد. تمنی به واسطه «هل» نیز نسبت به تمنی صریح، از مزیت بیشتری برخوردار است.

خلاصه اینکه اسلوب استفهام برانگیزنده عواطف و حالات درونی مخاطب است و او را فرا می‌خواند به اینکه با سؤال کننده در آنچه که و احساس می‌کند مشارکت جوید و برانگیزنده عواطف و حالات درونی انسان است. توتنه به گوینده، مخاطب، قرینه‌های لفظی و معنوی، سیاق کلی کیفیت نزول آیه و شأن نزول آن، کیفیت قرائت و وقف و غیره برای فهم معانی است. هم در آیات قرآنی بسیار ضروری است. از این روست که علمای تفسیر و بلاغت، در فهم معانی آیات اختلاف بسیار دارند. و همه اینها خود دلیل محکمی است که فهم کامل قرآن میسر نمی‌باشد مگر به واسطه «من» و «طلب به» و ضروری است که قرآن صامت را قرآن ناطق همراهی کند، چنانکه رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «فَاتَّهَمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا مَعِيَ الْوُضْءَ».